

اندیشه‌های نوین تربیتی
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه الزهراء^ص
دوره 6، شماره 3
بایز 1389
صص 45-66
تاریخ دریافت: 88/2/23 تاریخ بررسی: 88/3/5 تاریخ پذیرش: 89/8/21

رابطهٔ ابعاد الگوهای ارتباطات ادراک شده در خانواده و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان

مریم کورش‌نیا*

محمد مزیدی**

مسعود حسین‌چاری***

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی روابط موجود بین ابعاد الگوهای ارتباطات ادراک شده در خانواده (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی) و جهت‌گیری‌های مذهبی (جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده) دانشجویان بود. در این مطالعه، 172 دانشجو که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مرودشت انتخاب شده بودند، ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطات خانواده و پرسشنامه خودگردانی مذهبی را تکمیل کردند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه حاکی از آن بود که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده است، اما

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

M-koroshnia@rose.shirazu.ac.ir

** دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

*** استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

پیش‌بینی‌کننده معناداری برای جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده نیست. جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده به طور مثبت جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده را پیش‌بینی می‌کند و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن درباره جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده بیشتر است.

کلیدواژه‌ها:

الگوهای ارتباطات خانواده، جهت‌گیری گفت و شنود، جهت‌گیری هم‌نوایی، جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده.

مقدمه و بیان مسئله

به رغم بعضی از تلاش‌های انجام شده در زمینه روانشناسی مذهب یا دین¹ پژوهش‌های اندکی به ارتباط نوع دین‌داری² و خانواده توجه کرده است. در این مطالعه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده³ و نوع دین‌داری افراد بررسی شده است. ارائه تعریفی از مذهب یا دین که همگان درباره آن توافق داشته باشند، بسیار دشوار است. شاید بتوان گفت دین‌داری اعتقاد به وجودی متعالی است که وعده فرارسیدن زندگی پس از مرگ را می‌دهد و به ما فرمان می‌دهد در این دنیا به شیوه‌ای اخلاقی رفتار کنیم (گیدنز⁴، 1989). به علل اعتقادات، باورها و رفتارهای مذهبی افراد «انگیزه مذهبی»⁵ و گاه «جهت‌گیری مذهبی»⁶ گفته می‌شود. ریچارد رایان⁷ (دسی⁸ و رایان، 1985) با نگاه به مذهب از دید فرایند درونی‌شدن⁹ آن دو نوع جهت‌گیری مذهبی را مطرح کرده است. به طور کلی، فرایند درونی‌شدن فرایندی است که از طریق آن افراد

-
1. religion psychology
 2. religiosity
 3. family communication patterns
 4. Giddens
 5. religious motivation
 6. religious orientation
 7. Richard Ryan
 8. Deci
 9. internalization



دلایل بیرونی هدایت‌کننده رفتارهای خود را به دلایل درونی تبدیل می‌کنند. رایان بر اساس سطح درونی‌سازی دو نوع درونی‌شدن مذهبی¹ شامل درونی‌شدن از نوع همانندسازی² و درونی‌شدن از نوع درون‌فکنی³ را معرفی کرده است (استراهان⁴، 1996).

درونی‌شدن از نوع همانندسازی، درونی‌شدنی است که در آن باورها و عقاید مذهبی طوری جذب خویشتن⁵ فرد می‌شود که پس از آن ارزشهای مذهبی به صورتی برخاسته از اراده خود فرد تجربه می‌شوند. حاصل این نوع درونی‌شدن جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده⁶ است. رفتارهای مذهبی مبنی بر این نوع جهت‌گیری بر اساس ارزشها و اهداف فردی درونی‌شده‌ای انجام می‌شوند که با خویشتن فرد عجین شده‌اند.

در مقابل، درونی‌شدن از نوع درون‌فکنی، درونی‌شدن ناقص و ناتمام باورها و عقاید مذهبی است. حاصل این نوع درونی‌شدن، جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده⁷ است. اعمال مذهبی مبنی بر این نوع جهت‌گیری به این دلیل صورت می‌گیرند که انجام دادن آنها تأیید شدن فرد از جانب خود یا دیگران را باعث می‌شود. فرد در انجام دادن این اعمال احساس نوعی «باید» و «الزام» می‌کند. طوری که اگر آنها را انجام ندهد در خود احساس اضطراب یا احساس گناه می‌کند و عزت‌نفس⁸ او با تهدید مواجه می‌شود. در نتیجه، جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده همواره با حالتی از فشار و تعارض درونی همراه است.

در مجموع، جهت‌گیری درون‌فکنی شده حالت کنترلی درونی است که در آن وابستگی‌های عاطفی و عزت‌نفس، فرد را به پیروی از مجموعه مشخصی از قوانین و ادار می‌کنند. در حالی که در جهت‌گیری همانندسازی شده، به دلیل درونی‌شدن کامل عقاید مذهبی، فرد با میل و اراده خود اعمال مذهبی را انجام می‌دهد. جهت‌گیری

1. religious internalization

2. identificattion

3. introjection

4. Strohan

5. self

6. identified

7. introjected

8. self-esteem

درون‌فکنی‌شده ممکن است پیش‌روی فرد در مسیر درونی‌شدن کامل ارزشهای مذهبی را بازداري کند. در حالی که جهت‌گیری همانندسازی‌شده ممکن است درونی‌شدن ارزشهای مذهبی را ارتقا دهد (دسی و رایان، 1985، رایان و همکاران، 1993؛ استراهان، 1996).

پژوهش‌های چندی حاکی از آن است که جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده پیامدهای مثبت سازگارانه و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده پیامدهای منفی ناسازگارانه‌ای را به دنبال دارد. به طور مثال، در زمینه سلامت روان مطالعات نشان داده‌اند که جهت‌گیری همانندسازی‌شده با عزت‌نفس، یکپارچگی هویت¹ و سازگاری روانی رابطه مثبت و با اضطراب رابطه منفی دارد. این در حالی است که جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده با عزت‌نفس رابطه منفی و با هویت منسجم و یکپارچه، احساس تعارض، فشار روانی، اضطراب و افسردگی رابطه مثبت دارد (رایان، 1982؛ رایان و کُنل²، 1989؛ دسی و رایان، 1985، 1991، رایان و همکاران، 1993؛ رایان، 1991، 1993، 1993). رایان و همکاران (1993) نیز دریافته‌اند، که نسبت به جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده، جهت‌گیری همانندسازی‌شده با سطوح بالاتری از خودشکوفایی³ و عزت‌نفس و سطوح پایین‌تری از افسردگی و اضطراب رابطه دارد.

با توجه به ارتباط جهت‌گیری همانندسازی‌شده با پیامدهای مثبت روانشناختی و جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده با پیامدهای منفی روانشناختی لازم است پیشایندها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این دو جهت‌گیری را شناخت. این در حالی است که در ایران پژوهش‌های مرتبط با جهت‌گیری‌های مذهبی به طور عمده بر پیامدهای این جهت‌گیری‌ها متمرکز بوده‌اند و در زمینه بررسی پیشایندهایی، همچون متغیرهای خانوادگی، که انواع مختلف جهت‌گیری‌های مذهبی را شکل می‌دهند، مطالعات محدودی انجام شده است. تا آنجا که دانش پژوهشگران این مطالعه اجازه می‌دهد، یافته‌های مربوط به تأثیر

-
1. identity integration
 2. Connel
 3. self-actualization

متغیرهای خانوادگی بر نوع جهت‌گیری مذهبی فرزندان به یافته‌های پژوهش‌های خوانین‌زاده سریزدی و همکاران (1384) و تقی‌پاره و همکاران (1384) محدود است که در آنها ارتباط بین سبک دلبستگی فرد به مادر خود و نوع دلبستگی او به خداوند بررسی شده است. به این دلیل، با توجه به محدود بودن یافته‌های پژوهش‌های موجود در این زمینه، مطالعه حاضر درصدد آن برآمد تا رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و نوع جهت‌گیری مذهبی فرزندان را بررسی کند.

مطالعات انجام شده در زمینه روانشناسی مذهبی حاکی از آن است که جهت‌گیری‌های مذهبی افراد و روابط میان‌فردی آنها با یکدیگر ارتباط دارد (بتسون¹ و همکاران، 1993؛ استراهان، 1996). خانواده اولین و مهمترین بافتی است که روابط میان‌فردی در آن شکل می‌گیرد. همواره به خانواده به عنوان جالبترین و مهمترین سیستم انسانی توجه شده است. واتزلوویک² و همکاران (1967) خانواده را سیستمی قانونگذار تعریف می‌کنند که اعضاء آن دائماً در حال تعریف و تعریف مجدد ماهیت روابط³ خود بر مبنای الگوی ارتباطات⁴ خود هستند. الگوی ارتباطات خانواده یا شیوه بیان افکار و احساسات اعضاء آن از خانواده‌ای به خانواده‌ای دیگر متفاوت است. شناخت این الگوها به شناخت بعضی از جنبه‌های عملکرد خانواده کمک می‌کند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها و سبک‌های ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف، به پیش‌بینی و توضیح عملکرد خانواده و توصیه‌ها و تجویزهای مربوط به آن هم کمک می‌کند.

محققان سعی دارند تا الگوهای ارتباطات خانوادگی را شناخته و آنها را طبقه‌بندی کنند. فیتزپاتریک و ریچی⁵ (1994؛ ریچی و فیتزپاتریک، 1990، فیتزپاتریک، 2004) با مفهوم‌سازی و نقادانه

1. Batson
2. Watzlawick
3. relationships
4. communications
5. Fitzpatrick & Ritchie

نظریه مک‌لئود و چفی¹ (1972)، کوئر² و فیتزپاتریک، (2002) دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت و شنود³ و جهت‌گیری هم‌نوایی⁴ را در الگوهای ارتباطات خانوادگی شناسایی کرده‌اند. آنها جهت‌گیری گفت و شنود را «میزانی که خانواده‌ها شرایطی را فراهم می‌آورند که در آن همه اعضا خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات شوند» تعریف کرده‌اند (کوئر و فیتزپاتریک، 1997، ص. 60). جهت‌گیری هم‌نوایی در این نظریه عبارت است از «میزانی که خانواده‌ها شرایط همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهند» (کوئر و فیتزپاتریک، 1997، ص. 60). ترکیب این دو بعد، چهار الگوی ارتباطات خانواده را شکل می‌دهد (کوئر و فیتزپاتریک، 1997، 2002). هر الگو، نوع خاصی از خانواده‌ها را توصیف می‌کند. این چهار نوع الگو یا چهار نوع خانواده از ترکیب وضعیت‌های زیاد یا کم در پیوستارهای دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی حاصل می‌شوند و عبارتند از: خانواده توافق‌کننده⁵، خانواده کثرت‌گرا⁶، خانواده حفظ‌کننده⁷ و خانواده به حال خود واگذار⁸ (شکل 1).

زیاد جهت‌گیری گفت و شنود کم

-
1. McLeod & Chaffee
 2. Koerner
 3. conversation orientation
 4. conformity orientation
 5. consensual
 6. pluralistic
 7. protective
 8. laissez-faire

| | | |
|-------------|----------------------|-----------------------------------|
| توافق‌کننده | حفظ‌کننده | چهارگانه الگوهای ارتباطات خانواده |
| کثرت‌گرا | به‌حال‌خود‌واگذارنده | |

شکل 1: انواع چهارگانه الگوهای ارتباطات خانواده

«خانواده‌های توافق‌کننده» در هر دو بعد جهت‌گیری‌های گفت و شنود و هم‌نوایی نمره زیادی می‌گیرند. آنها سعی دارند حتی در زمان بیان شدن نظرات متفاوت یکدیگر را تشویق می‌کنند، تأکید زیادی بر توافق و مؤافقت با هم دارند.

«خانواده‌های کثرت‌گرا» در جهت‌گیری گفت و شنود نمره زیاد و در جهت‌گیری هم‌نوایی نمره کم می‌گیرند. ویژگی این خانواده‌ها ارتباطات باز، آزاد و راحت، تکثر آراء و عقاید و از نظر عاطفی حمایت‌کننده بودن است.

«خانواده‌های حفظ‌کننده» در جهت‌گیری گفت و شنود نمره کم و در جهت‌گیری هم‌نوایی نمره زیاد می‌گیرند. این خانواده‌ها با تأکید زیاد بر هم‌نوایی با والدین و اطاعت از آنها شناخته می‌شوند. والدین در این خانواده‌ها سعی دارند هنجارهای خانواده را حفظ کنند.

«خانواده‌های به‌حال‌خود‌واگذارنده» در هر دو جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی نمره کمی می‌گیرند. این نوع خانواده‌ها تعامل والد-فرزندی اندکی دارند و تقریباً فرزندان را به‌حال‌خود رها کرده‌اند.

تنها خانواده‌هایی که نمره آنها در منتهی‌الیه دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی قرار می‌گیرند، دقیقاً منطبق با یکی از این چهار نوع خانواده هستند. اکثر خانواده‌ها رفتارهایی را

نشان می‌دهند که با بیش از یکی از این نوع خانواده‌ها ارتباط دارد. موقعیت‌های متفاوتی که خانواده‌ها در طول این دو بعد دارند، می‌تواند در مطالعه نحوه شکل‌گیری نوع خاص جهت‌گیری مذهبی فرد یا شناخت شیوه‌ای مفید باشد که بدان طریق باورهای مذهبی در فرد درونی می‌شوند. چرا که به طور کلی همواره ارتباطات¹ موجود در بین اعضاء خانواده به عنوان مهمترین جنبه روابط میان‌فردی و کلیدی برای فهم مکانیسم‌های تحت‌تأثیر روابط خانوادگی قلمداد شده است. به همین دلیل مطالعه حاضر به منظور بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی) و جهت‌گیری‌های مذهبی همانندسازی‌شده و درون‌فکنی‌شده فرزندان شکل گرفت. شایان ذکر است که بر اساس اطلاع محققان این مطالعه، پیش از این در ایران پژوهشی در این زمینه انجام نشده است.

درباره رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی) با جهت‌گیری‌های مذهبی همانندسازی‌شده و درون‌فکنی‌شده، مطالعه حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال‌ها برآمد:

- 1- آیا جهت‌گیری گفت و شنود خانواده جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
 - 2- آیا جهت‌گیری گفت و شنود خانواده جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
 - 3- آیا جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
 - 4- آیا جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
- اولین سؤالی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن بود این است که آیا جهت‌گیری گفت و شنود خانواده جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟ از ویژگی‌های خانواده‌های متمایل به گفت و شنود زیاد این است که آنها راحت، به طور



مکرر و خودانگیخته و بدون تعصب و آزاداندیشانه درباره طیف وسیعی از موضوعات بحث می‌کنند و وقتی درباره موضوعی گفتگو می‌کنند به جزئیات آن توجه می‌کنند. به همین دلیل، زمانی که پیامی به فرزندان این نوع خانواده‌ها ارائه می‌شود، آنها بیشتر تحت تأثیر کیفیت پیام (یعنی، ساختار آن و کیفیت شواهد حمایت‌کننده از آن) قرار می‌گیرند تا خود پیام. خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود زیاد که فرزندان خود را برای رسیدن به تصمیمات و اخذ عقاید شخصی به اندازه کافی توانا می‌دانند، به فرزندان خود و آنچه آنها بیان می‌کنند علاقه نشان داده، از فرزندان خود حمایت می‌کنند. به عبارت دیگر، در این خانواده‌ها حمایت خانوادگی و روابط گرم و عاطفی وجود دارد (فیتزپاتریک، 2004؛ کوئرنر و فیتزپاتریک، 1997، 2002؛ کوئرنر و ماکي، 2004). این در حالی است که روابط خانوادگی همراه با آزاداندیشی و گرمای عاطفی¹ نیز به نوبه خود با جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و به طور کلی، آزاداندیشی با دین‌داری و مذهبی بودن پخته و جافتاده² ارتباط دارد (سارگلو³، 2002؛ استراهان، 1996).

یافته‌های دیگر نیز حاکی از آن است که بحث و تبادل نظرهای دوفره⁴ بین والدین و فرزندان آنها درباره مسائل مذهبی و دلیل آوردن والدین برای ارزشهایی که به آنها پای‌بند هستند، نسبت به روشهای تربیتی دیگر، با درونی شدن هر چه بیشتر ارزشهای اخلاقی و مذهبی فرزندان ارتباط دارد (فلور و نیپ⁵، 2001؛ گروسک و گودنوو⁶، 1994، هافمن و سالتزشتاین⁷، 1967).

در نتیجه، فرضیه اول بدین صورت تدوین شد که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده‌ها به طور مثبت

-
1. emotional warmth
 2. mature
 3. Saroglou
 4. dyadic discussion
 5. Flor & Knapp
 6. Gruses & Goodnow
 7. Haffmen & Saltzstein

جهت‌گیری مذهبی همانندسازی فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.

دومین سؤال این است که آیا جهت‌گیری گفت و شنود خانواده جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟

همان‌طور که پیش از این گفته شد یکی از ویژگی‌های افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده این است که در انجام دادن کارهای مذهبی احساس نوعی اجبار می‌کنند. طوری که اگر به دلایلی اعمال مذهبی خود را انجام ندهند، احساس گناه می‌کنند. این در حالی است که نتایج مطالعه استراهان (1996) نشان می‌دهد افرادی که رویکردی همراه با احساس گناه نسبت به مذهب دارند، در روابط میان‌فردی خود حمایت و گرمای عاطفی کمتری تجربه می‌کنند. آنچه که در خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود کم دیده می‌شود. در این نوع خانواده‌ها که اعضای خانواده تعامل کمتری با یکدیگر دارند، تنها موضوعات محدودی وجود دارد که آنها می‌توانند راحت و آزاد درباره آن بحث کنند و وقتی درباره موضوعی گفتگو می‌کنند به جزئیات آن توجه نمی‌شود. به همین دلیل، زمانی که پیامی به فرزندان این نوع خانواده‌ها ارائه می‌شود آنها قدرت زیادی برای ارزیابی آن ندارند. والدین این خانواده‌ها به تصمیمات و عقاید شخصی فرزندان خود چندان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و از آنها حمایت نمی‌کنند (فیتزپاتریک، 2004؛ کوئرر و فیتزپاتریک، 1997، 2002؛ کوئرر و ماک، 2004). پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده است تأیید نکردن فرزندان و دریغ کردن محبت والدین از آنها با درونی‌شدن ارزش‌های اخلاقی سطح بالای فرزندان، رابطه منفی دارد (گروسک و گودنوو، 1994، هافمن و سالتزشتاین، 1967).

لذا فرضیه دوم بدین شکل صورت‌بندی شد که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده‌ها به طور منفی جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

دو سؤال دیگر نیز در راستای اجرای مطالعه مطرح بودند. اول اینکه آیا جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده

جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟ و دوم اینکه آیا جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟

ویژگی بعد جهت‌گیری هم‌نوایی تأکید خانواده بر همسانی عقاید و نگرش‌هاست. به‌گونه‌ای که در خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد، تعاملات بر هم‌نوایی و اجتناب از تعارض تکیه دارد. این نوع خانواده‌ها اغلب در آموزش و انتقال ق‌وانین، هنجارها، ارزشها و رفتارهایی به فرزندان مؤفق هستند که از آنها انتظار می‌رود. آنچه که در خانواده‌های سنتی دیده می‌شود (بکستر¹ و همکاران، 2005). برای خانواده‌های مذهبی مجموعه‌ای مهم از این هنجارها و ارزشها، باورها و عقاید مذهبی است؛ آنها از فرزندان خود انتظار دارند در این موارد با آنها هم‌نوایی نشان دهند.

از آنجا که جهت‌گیریهای مذهبی همانندسازی شده و درون‌فکنی شده از وضعیت قرار گرفتن فرد در امتداد پیوستار درونی شدن باورها و عقاید مذهبی ناشی می‌شوند، یعنی، هرچه فرد در درونی‌کردن عقاید مذهبی پیش‌تر رفته باشد، عقاید بیشتری را با خویشتن خود یکپارچه کرده است، جهت‌گیری هم‌نوایی می‌تواند فرایند درونی شدن ارزشها و در نتیجه هر دو نوع جهت‌گیریهای مذهبی را در فرزندان تسهیل کند. در همین راستا، پژوهش‌های قبلی نشان داده است که جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده با هویت‌یابی نوجوانان، ارتباط دارد (نولر²، 1995؛ کوئرر و فیتزپاتریک، 2002).

در نتیجه، فرضیه سوم و چهارم به این صورت مطرح شد:

جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده‌ها به طور مثبت جهت‌گیری همانندسازی شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند و جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده‌ها به طور مثبت جهت‌گیری درون‌فکنی شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.

1. Baxter

2. Noller

با این حال انتظار می‌رود در رابطه موجود بین جهت‌گیری هم‌نوایی و جهت‌گیری‌های همانندسازی شده و درون‌فکنی‌شده تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. از آنجا که برخلاف جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده، جهت‌گیری همانندسازی‌شده در عین حالی که با جهت‌گیری هم‌نوایی رابطه دارد، تاحدی با ظرفیت تشویق کردن فردیت در افراد نیز ارتباط دارد (استراهان، 1996)، انتظار می‌رود میزان ارتباط جهت‌گیری هم‌نوایی نسبت به جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده با جهت‌گیری همانندسازی‌شده کمتر باشد.

در مجموع، با توجه به پژوهش‌های پیشین فرضیه‌های زیر تدوین شد:

- 1- جهت‌گیری گفت و شنود خانواده‌ها به طور مثبت جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.
- 2- جهت‌گیری گفت و شنود خانواده‌ها به طور منفی جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.
- 3- جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده‌ها به طور مثبت جهت‌گیری همانندسازی‌شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.
- 4- جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده‌ها به طور مثبت جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده فرزندان آنها را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود؛ جامعه آماری این مطالعه را دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای که واحد نمونه‌گیری در آن در مرحله اول گروه درسی و در مرحله بعد کلاس بود، از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مرودشت 172 نفر انتخاب و به عنوان افراد تشکیل‌دهنده گروه نمونه مطالعه شدند. از این تعداد 97 نفر دختر و 69 نفر پسر و 6 نفر نیز در پرسشنامه‌ها جنسیت خود را مشخص نکرده بودند.



در این مطالعه برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر از ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده¹ (نسخه فرزندان) و پرسشنامه خودگردانی مذهبی² استفاده شد. در ادامه، هر کدام از ابزارهای مذکور در حد حوصله نوشتار حاضر معرفی شده‌اند.

ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده (نسخه فرزندان)

به منظور اندازه‌گیری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده یا به عبارت دیگر ابعاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی (به عنوان متغیرهای مستقل) از نسخه فرزندان «ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده» (ریچی و فیتزپاتریک، 1990، کوئرر و فیتزپاتریک، 2002a) استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه خودسنجی است که از میزان مؤافقت یا مؤافقت نکردن پاسخ‌دهنده، با استفاده از 26 گزاره که درباره وضعیت ارتباطات خانواده او هستند، در دامنه‌ای 5 درجه‌ای، سؤال می‌کند. نمره 4 معادل «کاملاً مؤافقم» و نمره 0 معادل «کاملاً مخالفم» است. 15 گزاره اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و 11 گزاره بعدی مربوط به بعد جهت‌گیری هم‌نوایی است. به عبارت دیگر، این ابزار به ترتیب مقیاس جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی را شامل است. بنابراین، هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر دو مقیاس به این معناست که آزمودنی چنین ادراک می‌کند که در خانواده او جهت‌گیری گفت و شنود یا هم‌نوایی بیشتری وجود دارد.

کورشنیا و لطیفیان (1386) روایی³ و پایایی⁴ این مقیاس را بررسی کردند. آنها به منظور تعیین روایی این ابزار از روش‌های تحلیل عامل⁵، همسانی درونی⁶

1. Revised Family Communication Pattern (RFCP)
2. Religious Self Regulatory Questionnaire (SRQ-R)
3. validity
4. reliability
5. factor analysis
6. internal consistency

و روایی ملاکی¹ استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی، ساختار عاملی تأیید شده و از محتوای این ابزار به شیوه مؤلفه‌های اصلی² دو عامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی استخراج شده است. بررسی همسانی درونی نشان داده است که سؤالات مربوط به هر عامل با نمره کل آن عامل بیشترین همبستگی معنادار را دارند و بین نمرات حاصل از دو عامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی نیز به ترتیب با نمره کل ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده همبستگی‌های معنادار $p = 0/0005$ 0/75 و $p = 0/0005$ 0/44 وجود دارد. ضریب همبستگی جهت‌گیری گفت و شنود و مقیاس توجه ابزار پیوند والد - فرزندی پارکر³ و همکاران، (1979)، برابر با $p = 0/0005$ 0/74 و ضریب همبستگی جهت‌گیری هم‌نوایی و مقیاس حمایت بیش از حد یا کنترل این ابزار برابر با $p = 0/005$ 0/49 = p گزارش شده است که حاکی از روایی ملاکی ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده می‌باشد (کورشنیا و لطیفیان، 1386).

در رابطه با پایایی این ابزار، ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی را کورشنیا و لطیفیان (1386) محاسبه کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی به ترتیب برابر با 0/87 و 0/81 بوده است. ضریب پایایی بازآزمایی نیز برای مقیاس جهت‌گیری گفت و شنود برابر 0/84 و برای مقیاس جهت‌گیری هم‌نوایی 0/78 به دست آمده است. فاصله زمانی بین اجرای دو آزمون بیست روز گزارش شده است.

پرسشنامه خودگردانی مذهبی

به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی (به عنوان متغیر ملاک) از «پرسشنامه خودگردانی مذهبی» (رایان

-
1. criteria validity
 2. principal components analysis
 3. Parker Bonding Instrument (PBI)



و همکاران، 1993) استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه خودسنجی است که از میزان موافقت یا موافقت نداشتن پاسخ‌دهنده با استفاده از 12 گزاره که درباره جهت‌گیری مذهبی او هستند، در دامنه‌های 4 درجه‌ای، سؤال می‌کند. نمره 3 معادل «کاملاً درست است» و نمره 0 معادل «اصلاً درست نیست» است. در این پرسشنامه هر جهت‌گیری با 6 پرسش ارزیابی می‌شود. بنابراین، هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مورد به معنای جهت‌گیری بیشتر آزمودنی است.

روایی و پایایی این پرسشنامه را البرزی و جوکار (1384) بررسی کرده‌اند. به منظور تعیین روایی این ابزار از روش‌های تحلیل عامل و روایی ملاکی استفاده شده است. به وسیله تحلیل عامل اکتشافی به شیوه مؤلفه‌های اصلی و تحلیل عامل تأییدی¹ با استفاده از روش بیشینه احتمال² دو عامل جهت‌گیری همانندسازی شده و جهت‌گیری درون‌فکنی شده استخراج شده‌اند.

البرزی و جوکار (1384) به منظور بررسی روایی ملاکی این پرسشنامه از پرسشنامه خودگردانی یادگیری³ رایان و همکاران (1993) استفاده کرده‌اند. نتایج گزارش شده حاکی از روایی ملاکی مطلوب این ابزار است.

در رابطه با پایایی این ابزار، ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری همانندسازی شده و جهت‌گیری فرافکنی شده به ترتیب برابر با 0/75 و 0/78 گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی نیز برای جهت‌گیری همانندسازی شده برابر 0/73 و برای جهت‌گیری فرافکنی شده 0/76 به دست آمده است (البرزی و جوکار، 1384).

1. Confirmatory

2. Maximum likelihood

3. Academic Self Regulatory Questionnaire (SRQ-A)

یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای مطالعه و سپس، نتایج تحلیل‌هایی مطرح می‌شود که به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام شده‌اند. اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای مطالعه در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده | | نوع جهت‌گیری مذهبی | | متغیر شاخص |
|--------------------------------|------------|--------------------|---------------|--------------|
| همنوایی | گفت و شنود | درون‌فکني‌شده | هماندسازي‌شده | |
| 18/34 | 39/22 | 9/19 | 14/83 | میانگین |
| 9/89 | 11/82 | 3/48 | 2/87 | انحراف معیار |

به منظور بررسی امکان پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکني‌شده دانشجویان توسط هر یک از ابعاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی الگوهای ارتباطات خانواده، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان¹ استفاده شد. جداول 2 و 3 نتایج حاصل از این روش را نشان می‌دهند.

جدول 2: پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده دانشجویان بر اساس ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده

| متغیرهای پیش‌بین | R | R ² | مجدور آر تعدیل‌شده | مقدار F | سطح‌معناداري (P) | ضریب‌استاندارد رگرسیون (Beta) | مقدار t | سطح‌معناداري (P) |
|------------------|------|----------------|--------------------|---------|------------------|-------------------------------|---------|------------------|
| گفت و شنود | 0/26 | 0/07 | 0/05 | 4/30 | 0/016 | 0/26 | 2/64 | 0/01 |
| همنوایی | | | | | | 0/23 | 2/33 | 0/05 |

داده‌های جدول 2 نشان می‌دهد مدل معنادار است ($F(2, 121) = 4/30, P < 0/016$) و $0/05 =$ مجذور آر تعدیل‌شده²). جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده معنادار جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده فرزندان است و جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده آنها را به طور مثبت پیش‌بینی

1. Enter
2. Adjusted R Square

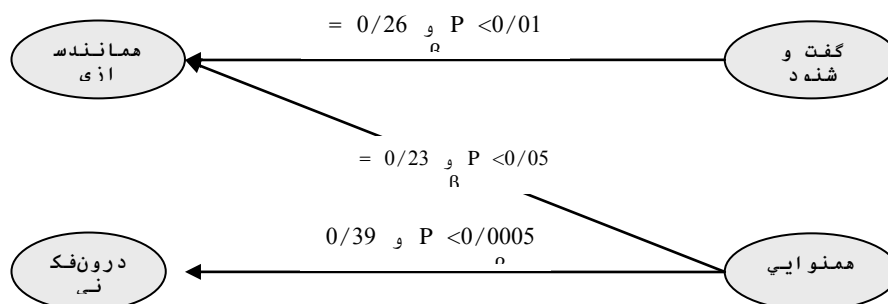
می‌کند ($P < 0/01$ و $\beta = 0/26$). جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده نیز به گونه‌ای معنادار و مثبت جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده آنها را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/05$ و $\beta = 2/33$). جهت‌گیری‌های گفت و شنود و هم‌نوایی خانواده 5 درصد از واریانس جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول 3: پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده دانشجویان بر اساس ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده

| متغیرهای پیش‌بین | R | R ² | مجذور آر تنظیم‌شده | مقدار F | سطح معناداری (P) | ضریب استاندارد رگرسیون (Beta) | مقدار t | سطح معناداری (P) |
|------------------|------|----------------|--------------------|---------|------------------|-------------------------------|---------|------------------|
| گفت و شنود | 0/41 | 0/17 | 0/15 | 12/22 | 0/0005 | -0/05 | -0/52 | N.S. |
| هم‌نوایی | | | | | | 0/39 | 4/19 | 0/0005 |

داده‌های جدول 3 نشان می‌دهد مدل معنادار است ($P < 0/0005$ ، $F(2, 121) = 12/22$ و $0/15 =$ مجذور آر تعدیل‌شده). جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده معناداری برای جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان نیست، اما جهت‌گیری هم‌نوایی جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده آنها را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/0005$ و $\beta = 0/39$). جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده 15 درصد از واریانس جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

نتایج رگرسیون چندگانه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری‌های مذهبی همانندسازی شده و درون‌فکنی‌شده در مطالعه حاضر در شکل 2 خلاصه شده است.



شکل 2: نتایج رگرسیون چندگانه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده
بر روی انواع جهت‌گیری‌های مذهبی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر بررسی امکان پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده دانشجویان توسط هر یک از ابعاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی الگوهای ارتباطات خانواده بود. در ادامه، نتایج به دست آمده بر اساس سؤالات و فرضیه‌های پژوهش به بحث گذاشته شد.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده معنادار جهت‌گیری مذهبی همانندسازی‌شده دانشجویان بود و جهت‌گیری همانندسازی‌شده آنها را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کرد. این یافته حاکی از آن است که احتمالاً افرادی که رفتارهای مذهبی آنها براساس ارزش‌ها و اهداف فردی درونی‌شده‌ای صورت می‌گیرند که با خویشتن آنها عجین شده‌اند، به خانواده‌هایی متعلق هستند که در آنها افراد راحت و آزاد و بدون تعصب درباره موضوعات مذهبی به طور مفصل صحبت می‌کنند. این یافته هم‌خوان با نتایج پژوهش‌هایی است که بیان می‌کنند آزاداندیشی در بحث و تبادل‌نظرهای خانوادگی با درونی‌شدن هر چه بیشتر ارزش‌های اخلاقی و مذهبی فرزندان ارتباط دارد (به طور مثال، فلور و نپ، 2001؛ سارگلو، 2002).

اگرچه همان‌طور که انتظار می‌رفت جهت‌گیری گفت و شنود خانواده، هماهنگ با پژوهش‌های پیشین (گروسک و گودنوو، 1994؛ هافمن و سالتزاش-تاین، 1967)، پیش‌بینی‌کننده منفی جهت‌گیری درون‌فکنی‌شده فرزندان بود، اما قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن کمتر از سطح معنادار بود. در توجیه این یافته می‌توان بیان کرد که احتمالاً رابطه منفی بین جهت‌گیری گفت و شنود خانواده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده فرزندان توسط جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده به گونه‌ای تعدیل می‌شود که مانع از معنادار شدن این رابطه می‌شود. در خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود زیاد



یعنی، خانواده‌هایی که اعضاء آن درباره موضوعات مختلف از جمله موضوعات مذهبی به طور مفصل بحث و تبادل نظر می‌کنند، انتظار می‌رود جهت‌گیری درون‌فکنی شده فرزندان کمتر باشد، اما جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد خانواده می‌تواند با هدایت بیشتر بحث و تبادل نظرها به سمت هم‌نوایی فرزندان با عقاید و ارزش‌های مذهبی والدین از کارکرد جهت‌گیری گفت و شنود خانواده بکاهد، به گونه‌ای که در رابطه با جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده مانع از رسیدن قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن به سطح معنادار شود. در چنین شرایطی، اگرچه در خانواده گفت و شنودهای زیادی صورت می‌گیرد، ولی در بیشتر آنها والدین دلایل خود را برای داشتن عقاید و باورهای مذهبی خود بیان می‌کنند و خواستار پیروی فرزندان خود از این عقاید و ارزش‌ها می‌شوند. به عبارت دیگر، محتوای بیشتر گفت و شنودها را تحمیل عقاید والدین تشکیل می‌دهد. همان‌طور که انتظار می‌رفت جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده به طور مثبت جهت‌گیری همانندسازی شده فرزندان و نیز جهت‌گیری درون‌فکنی شده آنها را پیش‌بینی می‌کرد و در پیش‌بینی جهت‌گیری درون‌فکنی شده نسبت به جهت‌گیری همانندسازی شده قدرت پیش‌بینی بیشتری داشت. به طور کلی، فرایند درونی کردن نیازمند تأمل درباره افکار و عقاید است. لذا، در فرایند درونی شدن جهت‌گیری مذهبی (علل اعتقادات و باورهای مذهبی) انتظار می‌رود فرزندان درباره علل اعتقادات و باورهای مذهبی والدین خود تفکر و تأمل کنند. چیزی که در خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد بر آن تأکید بسیار می‌شود. اگرچه این تأمل به درونی شدن جهت‌گیری مذهبی فرزندان کمک می‌کند؛ ولی لازمه ارتقاء سطح درونی شدن و رسیدن به جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده آن است که فردیت فرد نیز حفظ شود. به این دلیل، به نظر می‌رسد گرچه میزانی از جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده با جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده فرزندان ارتباط دارد، ولی میزانی بیش از آن با جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده ارتباط پیدا می‌کند که در آن فرد به هم‌نوایی با دیگران به منظور جلب تأیید آنها توجه زیادی نشان می‌دهد.

در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن بود که بین

ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی) و نوع انگیزش مذهبی فرزندان رابطه وجود دارد. یافته‌ها درباره افراد دارای جهت‌گیری درون‌فکنی شده هماهنگ با پژوهش‌های پیشین نشان داد که این افراد در خانه‌های زندگی می‌کنند که در آنها به اطاعت از مراجع قدرت، کنترل و هم‌نوایی تأکید زیادی می‌شود (مک‌نامارا¹، 1985). تأکیدی که با کمتر درونی‌شدن ارزشهای اخلاقی سطح بالای فرزندان ارتباط دارد. در این خانواده‌ها نسبت به خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی کم والدین رفتارهای نظارتی² بیشتر و تأییدکننده کمتری دارند (کوئرنر و فیتزپاتریک، 2002). به عبارت دیگر، والدین به جای اینکه به رشد خودتنظیمی فرزندان خود در قبال عقاید و رفتارهای مذهبی آنها کمک کنند، سعی می‌کنند خود آنها را تنظیم کنند. دنیای فرد دارای جهت‌گیری درون‌فکنی شده به وسیله کنترل خود³، خویشتن در تعارض و نه یکپارچه، حرکت در جهت به دست آوردن تأیید دیگران قدرتمند و به این دلیل، اطاعت از آنها مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، در پشت ظاهر این افراد که نشان می‌دهند بر خود کنترل دارند، هرج و مرجی نسبتاً توان‌گاه وجود دارد (استراهان، 1996). از آنجا که قسمت‌های تشکیل‌دهنده خویشتن این افراد یکپارچه و باثبات نیست، آنها در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ عقاید مذهبی شخصی خود به وابستگی‌های دنیای بیرون اتکاء دارند (برزوناسکای⁴، 1989).

همچنین یافته‌ها نشان داد جهت‌گیری همانندسازی‌شده با جهت‌گیری گفت و شنود زیاد خانواده یعنی، روابط خانوادگی همراه با آزاداندیشی و گرمای عاطفی و جهت‌گیری هم‌نوایی نه چندان زیاد، ارتباط دارد که ظرفیت فردیت در اعضای خانواده را تشویق می‌کند. افراد دارای این نوع جهت‌گیری خویشتنی یکپارچه دارند که در بین بخش‌های

1. Mc Namara
2. regulatory
3. self
4. Berzonsky

مختلف آن نوعی همخوانی وجود دارد. به گونه‌ای که این افراد در عقاید و رفتارهای مذهبی خود به خودتنظیمی¹ قادر هستند (استراهان، 1996).

به یافته‌های این مطالعه می‌توان از دو جنبه کاربردهای نظری و عملی توجه کرد. از جنبه نظری نتایج این مطالعه می‌تواند تا حدی کمبود موجود در پژوهش‌های پیشین را در زمینه عوامل پیشاینده جهت‌گیری‌های مذهبی برطرف کند. این نتایج نشان می‌دهد بین ماهیت الگوهای ارتباطات خانوادگی و نوع مذهبی که فرد تجربه می‌کند، روابط معناداری وجود دارد. خانواده می‌تواند کیفیت درونی شدن ارزشهای مذهبی را ارتقاء دهد یا از ارتقاء آن ممانعت به عمل آورد (دسی و همکاران، 1994؛ هاوسر² و همکاران، 1984).

جنبه کاربردهای عملی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کدام یک از الگوهای ارتباطات خانوادگی درونی‌شدن هر چه بیشتر ارزش‌های مذهبی را تسهیل می‌کند و کدام الگوها آنها را بازداري می‌کند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای والدین اطلاعاتی مهم به همراه داشته باشد. این یافته‌ها بیان‌کننده آن است که هرچه محیط خانواده بیشتر شرایط گفتگوی راحت را درباره موضوعات مذهبی فراهم آورد و برای استقلال، رشد شخصی و عقاید فرزندان ارزش‌قائل باشد، کیفیت درونی‌شدن ارزش‌های مذهبی آنها ارتقاء بیشتری پیدا می‌کند.

این پژوهش با محدودیت‌های جنس و همگنی گروه نمونه مواجه بود که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به اقشار دیگر جامعه و سنین دیگر محدود می‌کند. با وجود محدودیت‌ها در این بخش با توجه به مطالعه انجام شده پیشنهادهایی مطرح می‌شود.

با توجه به اطلاعات حاصل از مطالعه حاضر می‌توان مداخلاتی آموزشی برای والدین ترتیب داد و الگوی ارتباط والد-فرزندی را به آنها آموزش داد که کیفیت درونی‌شدن ارزش‌های مذهبی فرزندان آنها را ارتقا می‌دهد.

1. self-regulation

2. Hauser

پژوهش‌های بعدی می‌توانند گروه‌های نمونه دیگری را بررسی کنند. آنها همچنین می‌توانند تأثیر عواملی ابعاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوايي را بر جهت‌گیری‌های مذهبی فرزندان مد نظر قرار دهند؛ به عبارت دیگر، می‌توانند جهت‌گیری‌های همانندسازی‌شده و جهت‌گیری‌های درون‌فکني‌شده را در انواع مختلف خانواده‌ها بررسی کنند.

منابع

- البرزی، محبوبه و بهرام جوکار، (1384). مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دین. چاپ اول. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، 436-448.
- خوانین‌زاده سریزدی، مرجان، جواد اژه‌ای و محمدعلی مظاهری، (1384). مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، فصلنامه روانشناسی، 35، 227-248.
- فاطمه تقی‌پاره، محمدعلی مظاهری و پرویز آزاد فلاح، (1384). بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، فصلنامه روانشناسی، 33، 21-3.
- کورشنیا، مریم و مرتضی لطیفیان، (1386). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده، خانواده پژوهی، 12، 875-855.
- گیدنز، آنتونی، (1377). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران، نی.
- Baxter، L. A، Bylund، C. L، Imes، R. S & Scheive، D. M، (2005). Family communication environments and rule-based social control of adolescents' healthy lifestyle choices، *The Journal of Family Communication*، Vol. 5، No. 3، pp. 209-227.
- Berzonsky، M، (1989). The self as theorist، Individual differences in identity formation، *International Journal of Personal Construct Psychology*، 2، 363-376.
- Deci، E.L، Eghrari، H، Patrick، B.C & Leone، D.R، (1994). Facilitating internalization، The self-determination theory perspective، *Journal of Personality*، 62، 119-142.
- Fitzpatrick، M. A، (2004). The family communication patterns theory، Observations on its development and application، *The Journal of Family Communication*، Vol. 4، pp. 167-179.
- Fitzpatrick، M. A & Ritchie، L. D، (1994). Communication schemata within the family، Multiple perspectives on family interaction، *Human Communication Research*، Vol. 20، pp. 275-301.
- Flor، D. L & Knapp، N. F، (2001). Transmission and Transaction، Predicting Adolescents Internalization of Parental Religious Values، *Journal of Family Psychology*، Vol. 15، Issue 4، 627-645.
- Grusec، J. F & Goodnow، J، (1994). Impact of parental discipline methods on the child's internalization of values: A reconceptualization of current points of

- view, *Developmental Psychology*, Vol. 30, Issue 1, 4-19.
- Hauser, S.T, Powers, S.I, Noam, G.G & Jacobson, A.M, (1984). Familial contexts of adolscent ego development, *Child Development*, 55, 195-213.
- Hoffman, M. L. & Saltzstein, H, (1967). Parent discipline and the child's moral development, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 5, Issue 1, 45-57.
- Koerner, A. F & Fitzpatrick, M. A, (1997). Family type and conflict, The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family, *Communication Studies*, 48, pp. 59-78.
- Koerner, A. F & Fitzpatrick, M. A, (2002). Understanding family communication patterns and family functioning, The roles of conversation orientation and conformity orientation, *Communication Yearbook*, 28, pp. 36-68.
- Koerner, A. F & Maki, L, (2004). Family communication patterns and social support in families of origin and adult children's subsequent intimate relationships, *Paper presented at the International Association for Relationship Research Conference, Madison, WI, July 22-25*.
- McNamara, P. H, (1985). The new Christian right' view of the family and its social science critics, A study in differing presuppositions, *Journal of Marriage and the Family*, 47, 449-458.
- Ryan, R. M, (1982). Control and information in the intrapersonal sphere, An extension of cognitive evaluation theory, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 43, Issue 3, 450-461.
- Ryan, R. M & Connell, J. P, (1989). Perceived locus of causality and internalization, Examining reasons for acting in two domains, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 57, Issue 3, 749-761.
- Ryan, R.M, Rigby, S & King, K, (1993). Two types of religious internalization and their relations to religious orientations and mental health, *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, (3), 586- 596.
- Saroglou, V, (2002). Religion and the five factors of personality, a meta-analytic review, *Personality and Individual Differences*, Vol. 32, Issue 1, 15-25.
- Strahan, B. J, (1996, November). Does Religion Support Family Relationships?, It Depends on What Kind of Religion, *Australian Family Research Conference*, 27-29.
- Watzlawick, P, Beavin, J & Johnson, D, (1967). *Pragmatics of human communication: a study of interactional patterns, pathologies, and paradoxes*, New york, Norton.